یادداشت میهمان

مواضع متناقض آمریکا در مذاکرات و موضع شفاف ما

«نمی‌دانیم کدام حرف ترامپ را باور کنیم، از یک‌طرف حرف از صلح می‌زند و از طرف دیگر تهدید به جنگ می‌کند!» در این خصوص:

۱- مواضع ترامپ و آمریکایی‌ها بعد از دور چهارم مذاکرات که قبل از این متناقض بود، کاملا شفاف شد. اولا صراحت و شفافیت تا بدان حد رسیده که ترامپ در عربستان و قطر با به زبان آوردن ۷۸ بار نام ایران و اختصاص ۴۸ دقیقه از صحبت‌هایش به ایران‌هراسی، صریح‌تر از هر زمان دیگری ادعا کرد: «برای اعمال تحریم‌های بی‌نظیر علیه ایران تلاش کردیم و تحریم‌هایی که پیش‌تر علیه تهران وضع شده‌اند، باید اجرا شوند و با اعمال فشار حداکثری صادرات نفت ایران را به صفر می‌رسانم»! ثانیا ویتکاف هم از یک طرف ادعا کرد «به ایران حتی حق یک درصد غنی‌سازی را نمی‌دهیم و تحریم‌ها علیه این کشور هرگز لغو نخواهد شد»!. و از طرف دیگر از «مجاب کردن ایرانی‌ها به صورت داوطلبانه» با «اشتیاق و انتظار برای دور پنجم مذاکرات» سخن گفت. موضوعی که رهبری قبلا نسبت به آن هشدار داده بودند که «در تبلیغات آمریکایی‌ها در مورد مذاکرات، این معنا کاملاً خودش را نشان می‌دهد که بیاییم بنشینیم تا ایران را قانع کنیم که از غنی‌سازی و انرژی هسته‌ای دست بردارد. هدف این است. نمی‌گویند مذاکره کنیم تا ایران ادله خودش را بیان کند و ما از فشار و تحریم و دخالت‌های امنیتی و سیاسی و غیره دست برداریم؛ می‌گویند مذاکره کنیم تا ایران حرف ما را قبول کند»! ثالثا همزمان با این مواضع و اظهارات شفاف ترامپ و ویتکاف، اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا نیز نهمین بستهٔ تحریمی علیه ایران را امضا کرد! رابعا آنگونه که برخی خبرگزاری‌ها خبر دادند مذاکرات ایران با سه کشور اروپایی هم جلسه‌ای پرتنش بوده و آنها نیز همپا با آمریکا درخواست‌های «غیرفنی»، «غیرقانونی» و با «ادبیات نامناسب» در مورد مکانیسم ماشه مطرح کردند و با «مواضعی تند»، «تهدیداتی جدی» را روی میز گذاشتند. خامسا این یعنی «جنگ ترکیبی با محوریت تحریم، نه مذاکره برای لغو تحریم»! لذا ادعای سازنده بودن مذاکرات با نشان دادن شاخه زیتون اکنون به‌شدت زیر سؤال رفته، چون تاکید بر «عدم لغو تحریم‌ها» و «اعمال تحریم جدید» همزمان با «مذاکره برای رفع تحریم» بسیار خنده‌دار است و باید پاسخ داده شود این دو چگونه قابل جمع و توجیه است؟ و اصولا بر سر چه موضوعی مذاکره می‌شود؟! حال اولا آیا باید همچنان امید داشت که تحریم‌ها لغو می‌شوند؟! ثانیا ما باید الگوی پندآموزی از خیانت‌ها و فریبکاری‌های آمریکا باشیم یا کانادای متحد آمریکا که نخست‌وزیرش اعتراف تلخ و سختی می‌کند که «هرگز نباید درس‌های خیانت آمریکا را فراموش کنیم»! لذا باید از تردید خارج شد و به این نتیجه رسید که «ترامپ دروغ گفت و دروغ می‌گوید که می‌خواهد از قدرت برای صلح استفاده کند»!

۲- آنچه که برداشت می‌شود این است که مذاکرات از سوی آمریکا آنگونه که سی ان ان اذعان کرده «واقعی» نبوده و «تله‌ای» برای سوق دادن اوضاع به سمت تنش است. به اذعان تحلیلگران، طرف آمریکایی اساساً برای مذاکره معنادار فنی پای میز مذاکره نیامده است. از یک‌سو به گفته آقای عراقچی طرف آمریکایی به دو مرحله پیشنهادات مکتوب ایران هیچ پاسخ مکتوبی نداده است و به گفته سی ان ان به نقل از یک مقام ایرانی «ایالات متحده به سؤالات پاسخ‌های کوتاه و کلی می‌دهد و پیشنهادات اصلی را نادیده می‌گیرد و به طور مداوم موضع خود را در طول مذاکرات تغییر می‌دهد»! از سوی دیگر نکته مهم این است که به گفته گاردین، مایکل آنتون رئیس تیم فنی آمریکا هیچ تخصص و آشنایی با مسائل هسته‌ای ندارد و کسی است که ترامپ را برای خروج از برجام تحریک و کمک کرده است! قبل از دور اول مذاکرات نیز خود ویتکاف اذعان کرده بود که «در مذاکرات با ایران شرط‌های دقیق توافق بررسی نخواهد شد و اگر ایران برچیده شدن برنامه هسته‌ای خود را نپذیرد، تصمیم با ترامپ است»! و این به‌وضوح نشان می‌دهد که برخلاف گذشته حتی از هویج هم خبری نیست! ترامپ در مصاحبه با مجله تایم ادعا کرده بود «در زمان من ایران پولی نداشت و ورشکسته بود، اما بایدن موجب شد ایران به ۳۰۰ میلیارد دلار پول نقد دست پیدا کند»؟ هرچند این گزافه‌گویی است، اما معنی حرف ترامپ این است که حتی اجازه نمی‌دهد ایران در حد ۳۰۰ میلیارد دلار نیز نفع ببرد، تا چه برسد بخواهد اجازه و تضمین لغو تحریم‌ها و سرمایه‌گذاری در ایران را بدهد! اگر بنای ترامپ بر لغو تحریم‌ها بود تهدید نمی‌کرد که «هر کشور و شخصی با ایران تجارت کند، بلافاصله مشمول تحریم‌های ثانویه خواهد شد و اجازه تجارت با ایالات آمریکا را ندارد». این هشدار تهدیدآمیز ترامپ به عرب‌ها در سفر به عربستان و قطر و امارات در پشت «شاخه زیتون صلح‌طلبی» او نیز بود. در نتیجه سی ان ان تاکید می‌کند «این وضعیت باعث شده ایران به نتیجه برسد که مذاکرات به احتمال زیاد نتیجه مطلوب در زمینه رفع تحریم‌ها و منافع اقتصادی را به‌دنبال نخواهد داشت»!

۳- قبل از دور اول مذاکرات، ترامپ گفت ایران فقط سلاح اتمی نداشته باشد. قبل از دور دوم گفت ذخایر بالای ۶۰درصد و قبل از دور سوم گفت غنی‌سازی به هر میزان نباید داشته باشد، و با تعویق دور چهارم ادعا کردند ایران اصلا نباید برنامه هسته‌ای حتی صلح‌آمیز داشته باشد! حال قبل از دور پنجم می‌گویند «تحریم‌ها نیز هرگز لغو نخواهد شد»! اولا این تحقق همان تذکر مکرر و اسفند سال قبل رهبری است که «مذاکره برای آنها راهی است، برای طرح توقّعات جدید». ثانیا این عین وقاحتی است که رهبری بارها بر آن تاکید کردند که «آمریکایی‌ها در حرف زدن‌هایشان وقیح‌تر و بی‌ادب‌تر شده‌اند، واقعاً کارها و اقدام‌های اینها خیلی وقیحانه و بی‌شرمانه شده است»!

۴- وزیر خارجه ایران دور اول مذاکرات را «جدی» و دور دوم را «جدی‌تر» و دور سوم را «خیلی جدی» و دور چهارم را «خیلی جدی و صریح» توصیف کرد. رسانه‌های غربی هم بلافاصله بعداز دور سوم و چهارم مذاکرات از «پایان پر تنش مذاکرات با اختلافات عمده بر سر غنی‌سازی در ایران و برنامه موشکی جمهوری اسلامی» خبر دادند که به‌خوبی نشان داد خوشبینی ابتدائی در حال تبدیل شدن به «بدبینی عمیق» است. چراکه اکنون به‌خوبی روشن شده که آنچه آمریکایی‌ها در فضای سیاسی - رسانه‌ای ادعا دارند، همان را سر میز مذاکره طلب کردند. لذا به خود دوستانی که این واقعیت را در فضای رسانه‌ای - مذاکراتی نمی‌خواهند ببینند تا توجیه‌کننده هرگونه مذاکره‌ای باشند، باید هشدار داد که حتما «مراقب جنگ رسانه‌ای باشند»!

۵- نکته دور چهارم مذاکرات صراحت مواضع و بیان روشن خطوط قرمز دوطرف بود. هم عراقچی و هم ویتکاف غنی‌سازی اورانیوم را «خط قرمز بسیار روشن» خواندند. یکی گفت متوقف نمی‌شود و دیگری گفت باید متوقف شود! در طرف ایرانی آقای عراقچی به آمریکا و اروپا هشدار داد که اولا «تقاضای غیرواقعی و غیرقابل عملیاتی شدن آمریکا، از جمله نپذیرفتن اصل بدیهی غنی‌سازی، مذاکرات را با شکست مواجه خواهد کرد» و ثانیا «سوءاستفاده اروپایی‌ها از سازوکار ماشه به منزله پایان نقش اروپا و خروج ایران از NPT و افزایش تنش‌های غیرقابل ترمیم است». صراحت مواضع طرف آمریکایی هم علاوه‌بر مواضع ترامپ و ویتکاف که در صدر مطلب آمد، در این مواضع سخنگوی کاخ سفید و معاون دستیار رئیس‌جمهور آمریکا نمایان شد که ادعا کردند «آنچه که از تهران می‌خواهیم، تغییر نکرده، و آن برچیده شدن قابلیت‌های هسته‌ای ایران و عدم دخالت در منطقه است». لذا خبرنگار المیادین در مسقط صریحا اذعان کرد که «موضع آمریکا در مورد حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم در ایران، رو به افول است»!

۶- باید توجه داشت هرگونه انعطاف و نرمش در مذاکرات از جمله ادعای زودهنگام «پذیرش محدودیت غنی‌سازی برای اعتمادسازی» که خبرنگاران غربی روی آن فضاسازی کردند، با توجه به اینکه طرف مقابل هر روز با اعمال تحریم‌های جدید و مواضع زیاده‌خواهانه دیوار بی‌اعتمادی را بلندتر می‌کند، به منزله دستاوردسازی برای ترامپ است.

اگر دوستان مذاکره‌کننده محکم در مقابل زیاده‌خواهی آمریکا بایستند، مطمئنا آمریکا مجبور به عقب‌نشینی است. آنگونه که آقای عراقچی تاکید کرده است «تحریم‌ها را پایان دهید؛ در غیراین صورت توافقی در کار نخواهد بود!». این موضوع آنقدر بدیهی است که نیویورک‌تایمز تاکید کرده است «اگر تهران عقب‌نشینی نکند، ترامپ در نهایت باید یا یک توافق هسته‌ای شبیه توافقی که آن را رد کرد را بپذیرد، یا پیشنهاد بیشتر در برابر بیشتر را». لری جانسون تحلیلگر سابق سیا هم اذعان می‌کند «وقتی قدرت نظامی ایران، آمریکا را پای میز مذاکره کشانده، ترامپ چاره‌ای جز توافق با ایران ندارد»!

۷- این هوشیاری باید وجود داشته باشد که ترامپ و نتانیاهو و گروسی و اروپایی‌ها در ادامه مواضع متناقض و بازی فریبکارانه‌شان، خود را برای رویارویی با ایران در سازمان ملل آماده می‌کنند، برخلاف فهم عده‌ای که ادعا کردند کناره‌گیری ولتز نشانه مثبتی است، این اقدام درحالی انجام شده است که اولا ولتز با رویکرد ضدایرانی‌اش برای ایفای نقش در سمت نمایندگی آمریکا در سازمان ملل آماده شده است، آنگونه که خود ترامپ گفته است. ثانیا با توجه به مقدمه‌سازی سی‌ان‌ان برای اجرای این فاز از سناریوی آمریکا با ادعای اینکه «ایران در حال آماده‌سازی برای شکست مذاکرات است»، به جای اینکه بخواهیم «درک کنیم که صهیونیست‌ها و طرف‌هایی هستند که به آمریکا فشار می‌آورند»! باید درک کرد که این خود آمریکاست که برای تشدید تنش به آمریکا فشار وارد می‌کند! ادعای ترامپ در آخرین موضع‌گیری‌اش مبنی براینکه «تأسیسات هسته‌ای ایران دوستانه و یا وحشیانه منفجر خواهد شد»، تاییدی بر این واقعیت است. در نتیجه نکات کلیدی بیانیه وزارت امور خارجه بسیار حائز اهمیت است که ملت ایران را «محق می‌کند» نسبت به آمریکا «بدگمانی و بدبینی و سوءظن عمیق» داشته باشد. نکته کلیدی دیگر این بیانیه پرهیز از «آزمودن دوباره شیوه‌ها و شگردهای ناموفق» می‌باشد که «نتیجه‌ای جز تکرار همان ناکامی‌های پرهزینه قبلی نخواهد داشت»! این ادعا همان سخن رهبر معظم انقلاب است که در پایان دولت حسن روحانی برای چندمین بار تذکر دادند که «آمریکایی‌ها روی کاغذ یا در مقام وعده می‌گویند بله، ما تحریم‌ها را برمی‌داریم، امّا برنداشتند و برنمی‌دارند؛ شرط هم می‌گذارند برای مداخلات بعدی؛ در باره تمدید برجام، درباره مسائل گوناگون، درباره موشک، درباره منطقه، و هیچ ابائی هم از اینکه آنچه را قول دادند نقض کنند ندارند؛ این تجربه است برای دولت و دولتمردان آینده». لذا باور کنیم و تردید نکنیم که «ترامپ دروغ گفت» و «هر آنچه که می‌بینیم شاخه زیتون نیست، همه سیم خاردار است»!

دکتر محمدحسین محترم

صدای واحد در مقابل زیاده‌خواهی آمریکا، از بهارستان تا پاستور

تردید در ادامه مذاکره ایستادگی بر حق هسته‌ای

سرویس سیاسی-

گفت‌وگوی غیرمستقیم میان ایران و آمریکا، با میانجی‌گری عمان، اکنون در آستانه دور پنجم قرار دارد. اما برخلاف فضاسازی رسانه‌های غربی و القائات جریان غرب‌گرای داخلی، نه این مذاکرات به افقی روشن رسیده و نه طرف آمریکایی ذره‌ای از خصومت ریشه‌دار و خباثت تاریخی خود علیه ملت ایران عقب نشسته است. اکنون پس از اظهارات تند مقامات آمریکایی، دولت، مجلس و ملت ایران یکصدا درباره مذاکرات تردید و درباره حق ایران در غنی‌سازی اتفاق نظر دارند.

مقامات آمریکایی در روزهای اخیر با اظهاراتی بی‌پرده علیه حق قانونی و مسلم ملت ایران در غنی‌سازی اورانیوم، عملاً مذاکرات را وارد بن‌بستی از پیش‌طراحی‌شده کردند؛ بن‌بستی که نه حاصل سوءتفاهم یا اختلاف‌نظر فنی، بلکه نتیجه مستقیم زیاده‌خواهی واشنگتن برای خالی کردن دست ایران از توان هسته‌ای و تحمیل اراده خود به کشوری است که چهار دهه در برابر سلطه مقاومت کرده است.

در این میان، سخنان مهم و راهبردی رهبر معظم انقلاب در مراسم سالگرد شهادت رئیس‌جمهور فقید، شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی، دقیقاً در همین چارچوب قابل تحلیل است. معظم‌له با اشاره‌ای هوشمندانه به هدف طرف مقابل از اصرار بر مذاکره مستقیم، تصریح فرمودند: «هدف آنها القای نوعی تسلیم ایران است. شهید رئیسی این اجازه را به آنها نداد. البته در زمان ایشان مذاکره غیرمستقیم مثل زمان کنونی انجام می‌شد که به نتیجه نرسید که الان هم گمان نمی‌کنیم به نتیجه برسد و نمی‌دانیم چه خواهد شد.»

این سخنان دقیقاً به همان نقطه‌ای اشاره دارد که دلسوزان نظام، انقلاب و کشور از ابتدا نسبت به آن هشدار داده بودند: مذاکرات فروردین‌ماه ۱۴۰۴ که با ارسال نامه ترامپ و پالس مذاکره از سوی کاخ سفید آغاز شد، از ابتدا چیزی فراتر از یک شوی دیپلماتیک و تبلیغاتی برای مصرف داخلی آمریکا نبود؛ ترفندی تکراری برای شکستن مقاومت ملت ایران، آن هم از مسیر فرسایش و خدعه.

پیش‌بینی کیهان به واقعیت پیوست

کیهان پیش‌تر و طی دوماه اخیر بارها نتیجه این روند را پیش‌بینی کرده بود که مذاکره با آمریکای ترامپ با توجه به سابقه قبلی وی در مذاکرات و توافقاتی که با دیگر کشورها و حتی شرکا و متحدین خود در آمریکای شمالی و اروپای غربی داشته و با توجه به شخصیت جاه‌طلب و تبلیغات‌محور وی بی‌فایده است. و از این رهگذر مسئولان را از حساس کردن بازار و ایجاد انتظارات واهی درباره این مذاکرات برحذر داشته بود.

کیهان پیش از این با اشاره به تحریم‌های اخیر آمریکا علیه ایران (آن هم دقیقا همزمان با مذاکرات) و همچنین با توجه به گنده‌گویی ترامپ و رسانه‌های غربی در جعل نام خلیج فارس و مواضع اخیر ویتکاف و دیگر مقامات آمریکایی درباره غنی‌سازی ایران، خواستار توقف مذاکرات و موکول کردن ادامه آن به عذرخواهی و تغییر روند طرف آمریکایی شده بود.

گفتنی است روش دولت ترامپ در مواجهه با ایران در دولت پیشین آمریکا نیز اجرا می‌شده است. دولت دموکرات بایدن در اعمال تحریم‌ها و فشارهای گسترده بر کشورمان از هیچ اقدامی فروگذار نکرد و اگر تغییر در ریل سیاست خارجی به واسطه دولت شهید رئیسی نبود، کشور از وضعیتی که در پایان دولت حسن روحانی در فروش و صادرات نفت قرار داشت خارج نمی‌شد. دولت بایدن نیز همانند ترامپ حسن نیت ایران را با سوءنیت و اقدامات خصمانه پاسخ داد و حتی به پیش‌نویس اسفند ۱۳۹۹ که سرشار از اقدامات داوطلبانه حسن نیت‌ساز از سوی ایران بود پاسخ منفی داد.

در حالی‌که بسیاری از کارشناسان منصف و ناظران مطلع، نسبت به نیت واقعی آمریکا هشدار داده بودند، نظام جمهوری اسلامی ایران با هوشمندی و برای بستن راه بهانه‌جویی طیف غرب‌گرای داخلی، مجوز مذاکرات غیرمستقیم را صادر کرد. تصمیمی که ضمن نشان دادن بلوغ و منطق دیپلماسی انقلابی، این پیام را به افکار عمومی منتقل کرد که ایران راه مصالحه و گفت‌وگو را نبسته، اما باج هم نخواهد داد.

اکنون با گذشت چندین ماه از مذاکرات غیرمستقیم میان تیم مذاکره‌کننده ایران به ریاست «سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه کشورمان و تیم آمریکایی به ریاست «استیو ویتکاف» نماینده ویژه ترامپ، بار دیگر نقاب از چهره واقعی آمریکا کنار رفته و طینت خصمانه این کشور بیش از پیش آشکار شده است. تحریم‌های چند مرحله‌ای جدید، به اعتراف خود آمریکایی‌ها، صنایع هسته‌ای، شبکه فروش نفت و صادرات گاز مایع ایران را هدف قرار داده‌اند. اگر این اقدامات خصمانه، نشانه حسن نیت است، پس معنای دشمنی چیست؟!

طیف غربگرای داخلی که چشمان خود را بر تمام اقدامات خصمانه آمریکایی‌ها بسته و حتی در ماه‌های اخیر دست به سفیدشویی ترامپ نیز زدند، به احتمال زیاد در صورت توقف مذاکرات، آتش توپخانه خود را همچون همیشه به سوی داخل نشانه می‌روند ولی این طیف و عاملان و مسببان برجام باید به این سؤال پاسخ دهند که اساسا چه اقدامی از سوی آمریکا ممکن است غیرت آنان را به جوش آورد و به عنوان اقدام خصمانه تلقی شود؟ و یا به این سؤال پاسخ دهند که آمریکا در طی دو ماه اخیر چه نشانه‌ای از حسن نیت را در قبال رویکرد سازنده ایران نسبت به مذاکرات بروز داده است؟

آمریکایی‌ها در کنار ادامه فشار حداکثری و تهدیدات خود، به شکل سخیفانه پروژه تحریف را نیز کلید زده و با طرح مسائل موهوم درباره نام تاریخی و ابدی خلیج فارس سعی در کلید زدن ضلع دیگر از سیاست چندوجهی خود در قبال ایران دارند، سیاستی که بالعکس منجر به نمایش اتحاد ملی در این موضوع شد.

طرف آمریکایی در عین مذاکره، به موازات، پروژه فشار حداکثری را با چهره‌ای بزک‌شده و به سبک ترامپ دوم دنبال می‌کند. ترامپ در دور دوم ریاست‌جمهوری خود، همان سیاست‌های دوره اول را با شدت بیشتری دنبال می‌کند و تلاش دارد با ابزار مذاکره، ایران را به پذیرش عقب‌نشینی از اصول و خطوط قرمز خود وادارد؛ که البته کور خوانده است! تنها نقطه تفاوت وی با دور اول ریاست جمهوری خود در ادعای دروغین وی در پیگیری مسیر دیپلماسی و ژست مزورانه و ریاکارانه وی در ارجحیت دادن مذاکره بر فشار است.

ایران اکنون با صدای واحد دولت، مجلس و ملت، به‌روشنی اعلام کرده است که غنی‌سازی، نه یک امتیاز قابل معامله، بلکه خط قرمز قطعی و غیرقابل عقب‌نشینی جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی ایران تحت هیچ شرایطی غنی‌سازی را وجه‌المصالحه قرار نخواهد داد؛ نه در قالب توافق، نه در پوشش اعتمادسازی و نه به بهانه لغو تحریم‌هایی که هر روز رنگ و شکل تازه‌ای به خود می‌گیرند.

مذاکرات، هرچند با صبر و حوصله، هوشمندی و منطق طرف ایرانی همراه بوده، اما اکنون به نقطه‌ای رسیده که باید پرسید: ادامه این روند با وجود لجاجت، تحقیر و کارشکنی طرف مقابل چه توجیهی دارد؟ آیا وقت آن نرسیده که سیاست «مقاومت فعال» جایگزین روند فرسایشی و پرخطر گفت‌وگو با گرگی شود که لبخند می‌زند و پنجه تیز می‌کند؟

تجربه نشان داده که آمریکایی‌ها فقط زبان قدرت را می‌فهمند و هرجا در برابر ملت ایران کوتاه آمده‌اند، نه در میدان مذاکره، بلکه در عرصه ایستادگی ملت و پیشرفت داخلی ما بوده است. اکنون نیز همان نسخه، راه‌حل عبور است.

در همین راستا موضع قاطع و هوشمندانه معاون اول رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و مجلس شورای اسلامی نشانگر یکصدایی ایران در این حوزه است. دولت، ملت و مجلس ایران یکصدا حق غنی‌سازی را خط قرمز خود می‌دانند و درباره ادامه مذاکرات با طرفی که هیچ حسن نیتی را در عمل نشان نداده تردید دارند.

درباره شرکت در دور بعدی مذاکرات تردید داریم

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت‌ماه در جمع خبرنگاران و در پاسخ به سؤالی درباره اظهارات مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا در خصوص غنی‌سازی در ایران گفت: قبلا پاسخ این درخواست‌های غیرمنطقی را دادیم. تکرار یک موضع غیرمنطقی، غیرواقعی و غیرمعقول هیچ کمکی به تثبیت آن موضع نمی‌کند. گفت‌وگوها نمی‌کند. هر چقدر مقامات آمریکایی تکرار کنند فرقی در اصل قضیه ایجاد نخواهد کرد.

وی با بیان اینکه موضع ما کاملا روشن است، تصریح کرد: بار دیگر تکرار می‌کنم که غنی‌سازی در ایران ادامه خواهد یافت، با توافق یا بی‌توافق. اگر طرف‌های مقابل ما علاقه‌مند هستند نسبت به برنامه هسته‌ای و برنامه غنی‌سازی ایران اعتماد و شفافیت بیشتری وجود داشته باشند، این قابل گفت‌وگو و مذاکره است و قبلا هم چنین کرده‌ایم. در مقابل آن باید تحریم‌های خود را رفع کنند. کاملا روشن است و این یک مذاکره است.

بقیه در صفحه ۱۱

خبر ویژه

نگرانی اسرائیل از نفوذ امنیتی ایران در اطراف مقامات ارشد صهیونیست

طبق اعلام شین بت و پلیس اسرائیل، دو شهروند این کشور به اتهام جاسوسی برای ایران دستگیر شده‌اند. از جمله اتهامات آنان، نصب دوربین در اطراف خانه وزیر دفاع اسرائیل و جابه‌جایی کیفی حاوی مواد منفجره به دستور عوامل ایرانی است.

بر اساس بیانیه سازمان امنیت داخلی (شین بت) و پلیس اسرائیل، این دو نهاد در جریان عملیاتی مشترک در پایان ماه‌آوریل، دو تبعه این رژیم را به ظن ارتکاب جرایم امنیتی مرتبط با ایران دستگیر کرده‌اند. این دو متهم، «روی مزراحی» و «الموگ آتیاس»، هر دو ۲۴ ساله و اهل نِشر در شمال، به ظن ارتکاب جرایم امنیتی و جمع‌آوری اطلاعات از محل سکونت وزیر دفاع اسرائیل، بازداشت شده‌اند.

به گزارش رسانه‌های صهیونیستی، بازرسان می‌گویند، «روی مزراحی» در سال ۲۰۲۵ با مأموران ایرانی ارتباط برقرار کرده و مجموعه‌ای از مأموریت‌های حساس را تحت هدایت آنها انجام داده که برخی از آنها با هماهنگی متهم دوم، «الموگ آتیاس»، انجام شده است. این فعالیت‌ها بر شهر کفار احیم متمرکز بوده و متهمان می‌خواسته‌اند، در ازای دریافت پول، اطلاعاتی از محل سکونت یسرائیل کاتس، وزیر دفاع اسرائیل، در این شهر جمع‌آوری کنند.

به گفته شین بت، هر دو مظنون می‌دانسته‌اند که از سوی بازیگران خارجی متخاصم هدایت می‌شوند و اقدامات آنها تهدید علیه امنیت اسرائیل قلمداد می‌شود.

از اتهام‌های دیگری که به مزراحی نسبت داده شده، خرید یک تلفن همراه جدید و نصب اپلیکیشنی ویژه برای تماس امن با مأمور ایرانی و خرید دوربینی با قابلیت ارسال زنده ویدیو و نصب آن در ایستگاه‌های بازرسی شلوغ در حیفا بوده است. او همچنین قرار بوده در ادامه، کنترل این دوربین‌ها را به رابط خود منتقل کند. گفته می‌شود مزراحی مأمور شده بوده کیفی مدفون‌شده در زمین با محتویات احتمالا انفجاری را بیرون آورده و آن را به جای دیگری منتقل کند. او این دستورات را دقیقاً اجرا کرده است.

شین‌بت تأکید کرده که این پرونده نشانگر «تلاش‌های مداوم» نهادهای اطلاعاتی ایران برای سوءاستفاده از اتباع اسرائیل از طریق کانال‌های دیجیتال به منظور «جاسوسی و اقدامات تروریستی» است.

به گزارش خبرگزاری صهیونیستی «جی‌ان‌اس»، این دومین بار در چند روز اخیر است که سرویس امنیتی، اطلاعاتی را درباره هدف‌گیری جوانان اسرائیلی توسط عوامل ایرانی برای انجام فعالیت‌های جاسوسی منتشر می‌کند. یکشنبه گذشته نیز گزارش شده بود که یک جوان ۱۸ ساله از شهر یبنه، واقع در استان مرکزی اسرائیل، به ظن دریافت رهنمودهایی از ایران برای جمع‌آوری اطلاعات درباره تیم محافظ نفتالی بنت، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل، در دوران بستری بودن اخیرش در بیمارستان، بازداشت شد.

آمریکا چرا مجبور شد پشت اسرائیل را خالی کند؟

در حالی که حتی برخی مقامات رژیم صهیونیستی هم از درماندگی دولت نتانیاهو خبر داده و جنایت جنگی را موجب بی‌آبرویی اسرائیل می‌دانند، اخبار و تحلیل‌های محافل عبری- غربی علت این درماندگی و استیصال را نمایان می‌کند.

در این زمینه موشه یعلون وزیر جنگ اسبق رژیم صهیونیستی گفت: کابینه نتانیاهو، اسرائیل را به سمت هلاکت می‌کشاند. آنها به شدت به جایگاه بین‌المللی اسرائیل، اقتصاد و روابط خارجی آسیب وارد کرده‌اند. دولت روان‌پریش نتانیاهو، در حال ارتکاب جنایت جنگی در غزه است.

ایهود اولمرت نخست‌وزیر اسبق هم گفته است: آنچه اسرائیل در غزه انجام می‌دهد، جنایت جنگی است که نه هدفی دارد و نه امیدی به تحقق هیچ دستاوردی. از هر زاویه نگاه کنیم، با صحنه‌ای زشت و خشم‌برانگیز روبه‌رو هستیم.

از سوی دیگر روزنامه یدیعوت آحارانوت به نقل از یک منبع در وزارت خارجه اسرائیل خاطرنشان می‌کند: ما با یک سونامی بحران روبه‌رو هستیم و اوضاع بدتر هم خواهد شد. این بدترین وضعیتی است که اسرائیل تا به حال در آن بوده. دنیا با ما نیست. ما از نوامبر ۲۰۲۳، تصویری جز کشتار کودکان و خانه‌های ویران، بر جا نگذاشته‌ایم. به‌زودی هیچ‌کس تمایل نخواهد داشت که نامش با اسرائیل گره بخورد.

یائیر گولان معاون سابق ستاد ارتش در این زمینه هشدار داد: کابینه نتانیاهو، با کشتار کودکان، موجودیت ما را به خطر انداخته است. اسرائیل در حال تبدیل شدن به یک دولت منفور، مانند رژیم آفریقای جنوبی در دوران آپارتاید است.

شبکه عبری کان هم تصریح کرد: داده‌های رسمی، از فروپاشی بی‌سابقه گردشگری اسرائیل حکایت می‌کند. ما با کاهش شدید تعداد گردشگران و تعلیق پروازها و خسارات اقتصادی گسترده به ویژه پس از حملات یمن روبه‌رو هستیم.

حملات متناوب موشکی انصارالله یمن، فرودگاه بین‌المللی بن گورین را به تعطیلی کشانده است. مقاومت یمن، به حمایت از مردم مظلوم غزه، بندر حیفا را نیز به بانک اهداف عملیاتی خود اضافه کرد. شبکه عبری کان در این زمینه عنوان کرد: حملات اسرائیل، نه یمنی‌ها را باز می‌دارد و نه توان موشکی آنها را تضعیف می‌کند. موشک‌های یمن به اقتصاد ما آسیب می‌زنند و این، یکی از پیامدهای جنگ در غزه است.

دیروز مجله آمریکایی فوربس هشدار داد: «نزدیک شدن موشک‌های پدافند یمن به اف-۳۵ آمریکا، پیامدهایی هم برای اسرائیل دارد. با توجه به اثبات توانمندی حوثی‌ها، احتمال اینکه اف-۳۵های اسرائیل در معرض انهدام قرار بگیرند، وجود دارد». کانال ۱۲ عبری هم گفته است: آمریکا چند برابر اسرائیل حمله کرد، اما موفق نشد. ترامپ پس از یک ماه حملات سنگین و میلیاردها دلار هزینه، مجبور به توقف حملات شد. آمریکا نتوانست حوثی‌ها را شکست دهد، چون تقریباً غیرممکن است.

ناو هواپیمابر ترومن، برای تأمین امنیت اسرائیل در مقابل حملات یمن به منطقه آمد. اما پس از پس از چند نوبت هدف گرفته شدن و سقوط چند فروند جنگنده F/A-۱۸ سوپر هورنت، مجبور به عقب‌نشینی از دریای سرخ شد. در توجیه عقب‌نشینی آمریکا و خالی کردن پشت اسرائیل، وزیر دفاع آمریکا به فاکس نیوز گفت: اگر وقت خود را صرف تغییر رژیم در یمن کنیم، بر منافع اصلی خود تمرکز نخواهیم داشت. ما باید روی موارد دیگری مانند ایران و چین تمرکز کنیم. کاری را که در عراق و افغانستان کردیم، در یمن تکرار نخواهد شد.

همزمان، اندیشکده امریکن اینترپرایز در گزارشی نوشت: حمله بی‌نتیجه به یمن، زرادخانه آمریکا را خالی کرد. ایالات متحده، قادر به تأمین نیازهای تسلیحاتی برای جنگ بلندمدت نیست. دریاسالار «جیمز کیلبی» (رئیس موقت عملیات‌های دریایی) در کمیته تخصیص بودجه کنگره گفت عملیات علیه حوثی‌ها، صنایع تولید مهمات ما را به شدت تحت فشار قرار داده است.

رونین برگمان، تحلیلگر یدیعوت آحارونوت هم می‌گوید: سنتکام و سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل، با وجود توانمندی بالا نتوانستند یمنی‌ها را شکست دهند. ساده بگوییم: چون آنها شکست‌ناپذیرند و با کمترین امکانات، بیشترین آسیب را وارد می‌کنند.

در این میان، یادداشت روزنامه نیویورک تایمز، خواندنی است، آنجا که می‌نویسد: «ترامپ پس از ۳۰ روز جنگ با یمن، ناامید شد و تصمیم به توقف درگیری گرفت. ترامپ می‌خواست حملات به یمن ظرف ۳۰ روز نتیجه بدهد. اما حتی برتری هوائی هم بر حوثی‌ها ایجاد نشده بود. در عوض یک درگیری نظامی پرهزینه اما بی‌نتیجه دیگر برای آمریکا در منطقه ایجاد شد.

ژنرال کوریلا، فرمانده سنتکام بر یک کمپین قدرتمند اصرار داشت. او یک کارزار هشت تا ده ماهه را پیشنهاد کرد که در آن هواپیماهای جنگی، سیستم‌های دفاع هوائی حوثی‌ها را از بین ببرند. اما حوثی‌ها بسیاری از پناهگاه‌ها و انبارهای سلاح خود را تقویت کردند. افراد کوریلا در مورد تحمل ترامپ برای درگیری نظامی در منطقه قضاوت نادرستی داشتند. علاوه‌بر این، ژنرال دن کین، رئیس جدید ستاد مشترک ارتش ترامپ، نگران بود که یک کمپین گسترده علیه حوثی‌ها، منابع نظامی را از منطقه آسیا و اقیانوسیه خارج کند.

به کمپین هشت تا ده ماهه ژنرال کوریلا، فقط ۳۰ روز فرصت داده شد تا نتایج خود را نشان دهد. حوثی‌هادر آن ۳۰ روز، هفت پهپاد MQ-۹ را سرنگون، و توانایی ردیابی و حمله را مختل کردند. چند فروند F-۱۶ و یک جت جنگنده F-۳۵ آمریکایی تقریباً توسط پدافند هوائی حوثی‌ها مورد هدف قرار گرفتند و این، احتمال تلفات آمریکایی‌ها را افزایش داد. هزینه این عملیات سرسام‌آور بود.

مهمات زیادی، به ویژه مهمات پیشرفته دوربرد، استفاده شد. برخی از برنامه‌ریزان پنتاگون به طور فزاینده‌ای نگران ذخایر و پیامدهای آن برای هر موقعیتی بودند که در آن ممکن است مجبور به دفع حمله چین به تایوان شوند.

در تمام این مدت، حوثی‌ها همچنان به سمت کشتی‌ها و پهپادها شلیک می‌کردند، سنگرهای خود را تقویت می‌کردند و ذخایر سلاح خود را در زیرزمین جابه‌جا می‌کردند. جامعه اطلاعاتی اعلام کرد که مقداری تخریب در توانایی حوثی‌ها وجود دارد، اما این گروه به راحتی می‌تواند بازسازی شود.

در ۲۸ آوریل، ناو ترومن مجبور شد برای جلوگیری از آتش حوثی‌ها، چرخش سختی در دریا انجام دهد. این اقدام منجر به از دست رفتن یکی از سوپر هورنت‌ها شد. سپس در ۴ می یک موشک بالستیک حوثی‌ها از پدافند هوائی اسرائیل عبور کرد و در نزدیکی فرودگاه بن گوریون در تل‌آویو اصابت کرد. در آن زمان، ترامپ تصمیم گرفته بود که عملیات را موفقیت‌آمیز اعلام کند در حالی که مقامات یمن، به سرعت پیروزی خود و شکست آمریکا را منتشر کردند.

گفت و شنود

چی؟... هیچی!

گفت: «مارکو روبیو»، وزیر خارجه آمریکا بار دیگر تأکید کرد جمهوری اسلامی نباید هیچ سطحی از غنی‌سازی داشته باشد!

**گفتم: استیو ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ در مذاکرات غیر مستقیم با ایران هم که همین چرندیات را